

توسعه فضیلت‌مندی در نظام آموزشی و تربیتی، مبتنی بر آموزه‌های مهدوی

زهرا عوافی^۱

چکیده

یکی از کارکردهای مهم نظام آموزشی و تربیتی، توجه دادن فراگیران به ارزش‌ها، ایجاد فضیلت‌ها و پرورش آن در فراگیران است. آموزه‌های مهدوی یکی از ظرفیت‌های مکتب تشیع در نهادینه‌سازی ارزش‌ها در نظام تعلیم و تربیت است. این پژوهش با تمرکز بر مفاهیم ارزشی برگرفته از آموزه‌های مهدوی مندرج در منابع اصیل تشیع، چون عدالت‌خواهی، صلح‌طلبی، امیدبخشی، معنابخشی، وحدت‌گرایی و همگرایی اجتماعی است که در مقاله پیش‌رو، ضمن تبیین هریک، سهم آن‌ها در توسعه فضیلت‌مندی نظام تعلیم و تربیت مورد بررسی قرار خواهد گرفت. متولیان امر با بهره‌گیری از این ظرفیت، می‌توانند زمینه‌ساز توسعه فضیلت‌مندی در نظام آموزشی و تربیتی شوند. در این مقاله به روش «توصیفی-تحلیلی» و با هدف تبیین چگونگی توسعه فضیلت‌مندی در نظام آموزشی و تربیتی، مبتنی بر آموزه‌های مهدوی، به بازنگری برخی از این ارزش‌ها در نظام آموزشی و تربیتی پرداخته شده است.

واژگان کلیدی: نظام آموزش و پرورش، تربیت مهدوی، ارزش‌های اخلاقی، آموزه‌های مهدوی.

۱. بیان مسئله

یکی از نهادهای مهم و سرنوشت‌ساز در هر جامعه‌ای، نظام آموزشی و تربیتی آن جامعه است. به عبارتی می‌توان گفت یکی از عوامل مهم سعادت و شقاوت جوامع، به کارکرد این نظام و نهادهای وابسته به آن منوط است؛ چرا که در نظام دینی، فراگیری دانش مطلوبیت ذاتی ندارد (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ج ۱۴، ص ۶۶۶). به صرف عالم شدن، سعادت حقیقی انسان تأمین نمی‌شود. چه فراوان‌اند عالمان و اندیشمندی که علم خود را در جهت توسعه فساد و تأمین خواسته‌های شیطانی خود و دیگران به کار می‌گیرند (شریفی، ۱۳۸۸: ص ۳۷). علم شرط لازم است؛ ولی شرط کافی نیست: «يُعَلِّمُهُمْ وَيَزَكِّيهِمْ» یعنی کار با «يُعَلِّمُهُمْ» تمام نمی‌شود، بلکه «يَزَكِّيهِمْ» هم نیاز دارد؛ لذا دانش زمانی نتیجه می‌دهد که با تزکیه همراه باشد (قزائتی، ۱۳۸۸: ج ۱، ص ۲۰۵)؛ چرا که داشتن تزکیه رابطه مستقیمی با سعادت و نداشتن آن ارتباط مستقیمی با شقاوت افراد دارد. یکی از مهم‌ترین رسالت‌های پیامبران نیز تعلیم و تزکیه بوده است. علامه مصباح معتقد است:

فراهم آوردن زمینه رشد و استكمال معنوی و باطنی آدمیان بیش از هرچیز مدیون نهاد تعلیم و تربیت است؛ زیرا در سایه تعلیم عقاید هستی‌شناختی صحیح و ارزش‌شناختی صحیح و بر طبق ارزش‌های پسندیده اخلاقی و حقوقی، می‌توان خداپرستی را گسترش داد و عمق بخشید (مصباح یزدی، ۱۳۹۱: ص ۳۵۱).

مسئله کارکردهای نظام آموزشی و تربیتی آن قدر حائز اهمیت است که از قدیم تا کنون در کانون توجه اندیشمندان اسلامی و غیراسلامی واقع شده است. با توجه به پیشینه دینی و تأکیدات آموزه‌های دینی و سیره اهل بیت علیهم‌السلام، این مسئله در بین فیلسوفان و اندیشمندان مسلمان بیش‌تر از چیزی است که فیلسوفان غرب بدان توجه کرده‌اند. بدون شک این نظام با در اختیار داشتن بخش قابل توجهی از افراد جامعه در قالب فراگیر، نقش مهم و سرنوشت‌سازی را در وهله اول برای خود فراگیران و در وهله بعد برای جامعه ایفا می‌کند. از جمله کارکردهای مهم نظام آموزشی و تربیتی، توسعه فضیلت‌مندی و ارزش‌مداری در سطح گسترده در بین فراگیران است؛ به گونه‌ای که ضمانت‌بخش سعادت دنیوی و اخروی افراد و اجتماع نیز باشد؛ توسعه ارزش‌هایی همچون عدالت‌خواهی، صلح‌طلبی، امیدبخشی، معنابخشی و وحدت و

همگرایی اجتماعی. این مسئله می‌تواند به اقتضای فراگیران از مقاطع تحصیلی پایین مثل مهدها شروع شود و تا بالاترین مقاطع تحصیلی مثل دانشگاه‌ها و تحصیلات تکمیلی ادامه یابد. مراد از توسعه فضیلت‌ها از یک منظر، یعنی همگانی کردن آن، به‌گونه‌ای که همه افراد جامعه آن را پذیرفته و درصدد توسعه آن بر بیایند و از منظر دیگر، یعنی کشاندن آن از حیطه شناخت و معرفت به پای عمل و رفتار (نهادینه کردن)؛ حجم وسیعی از آگاهی‌ها و اطلاعات ما در حیطه شناخت باقی مانده است و به مرحله کنش و رفتار نمی‌رسد. بنابراین، اگر بتوان این ارتباط را شکل داد و بین حیطه شناختی و کنشی هماهنگی برقرار ساخت، می‌توان شاهد نوعی توسعه در ارزش‌ها نیز بود. با پذیرش هر دو منظر، باید گفت از جمله آبخ‌خورهای فضیلت‌مندی و ارزش‌مداری، ارزش‌ها و باورهای هر جامعه است. در واقع می‌توان گفت ارزش‌ها و باورها هویت اصلی جامعه را تشکیل می‌دهند و آن را با سایر جوامع متمایز می‌سازند. ارزش‌ها برآمده از باورها و بینش‌هایند و در آن‌ها ریشه دارند و در ترسیم مبانی و اصول فرهنگ و در استحکام و ثبات آن نقش مهمی ایفا می‌کنند (ملکی‌راد، ۱۳۹۷: ص ۹۴). از جمله ارزش‌ها و باورهای اعتقادی جوامع مسلمان به خصوص شیعی، اعتقاد به مهدویت است. آموزه‌های مهدوی سراسر ارزش و فضیلت است و مفاهیمی چون عدالت‌خواهی، صلح‌طلبی، امیدبخشی، معنابخشی و روح وحدت و همگرایی اجتماعی به شکل عینی و اصیل در آن موج می‌زند. در واقع می‌توان گفت آموزه‌های مهدوی ظرفیت بسیار بالایی در این زمینه دارد که نظام آموزشی و تربیتی می‌تواند با بهره‌گیری از آن، درصدد توسعه ارزش‌مداری و فضیلت‌مندی فراگیران بریاید. متولیان امر آموزشی و تربیتی کشور باید بدانند توجه و الگوگیری از یک وضعیت مطلوب، می‌تواند وضعیت موجود را در بهترین شکل سامان و در راستای رسیدن به همان وضعیت مطلوب قرار دهد. وضعیت مطلوب همان حکومت جهانی حضرت مهدی عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى است که در آن آموزه‌های مهدوی در بالاترین شکل ممکن و به شکل عینی و واقعی تحقق یافته است. همان‌طور که خدای متعال در آیه ۵۵ نور به این مطلب اشاره می‌فرماید:

«وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لِيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَ لِيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَ مَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ»؛ خدا به کسانی که ایمان آورده و



کارهای شایسته انجام داده‌اند، وعده داده است که حتماً آنان را در زمین جانشین [دیگران] کند، همان گونه که پیشینیان آنان را جانشین [دیگران] کرد و قطعاً دینشان را که برای آنان پسندیده به سودشان استوار و محکم نماید و یقیناً ترس و بیمشان را تبدیل به امنیت کند، [تا جایی که] فقط مرا بپرستند [و] هیچ چیزی را شریک من نگیرند و آنان که پس از این نعمت‌های ویژه ناسپاسی ورزند [در حقیقت] فاسق‌اند» (نور: ۵۵).

اما متأسفانه مشاهدات عینی، مطالعات و گزارش‌های صورت گرفته، نشان می‌دهد آن چنان که باید سیاست گذاری‌های لازم در این زمینه صورت نگرفته و یا به حداقل‌ها بسنده شده است. کم‌رنگ شدن ارزش‌ها و قداست آن در ذهن خود افراد و در مرتبه بالاتر در سطح اجتماع، آن‌جا که تعارض منافع پیش می‌آید و به دنبال آن آمار بالای ضد ارزش‌ها مثل توسعه ظلم، جنگ و خونریزی، ناامیدی، بی‌هویتی و تفرقه و اختلاف و رفتارهای غیر اخلاقی، به وجود می‌آید، ضرورت توجه به این مسئله را دو چندان می‌سازد.

برخی معتقدند که انسان‌ها در عصر جهانی شدن، محتاج اخلاق جهانی‌اند و اخلاق جهانی، محتاج الگویی جهانی است که بتواند در سطح جهانی به این تشنگی پاسخ گوید. این الگو از طرفی باید در رفتار بشر تجلی یابد تا قابل پیروی باشد و از طرفی باید از آن چه بشر خود با تجربه به آن راه یافته است، فراتر باشد (قراملکی و قراملکی، ۱۳۸۶: ص ۱۱). الگوی کامل این ویژگی‌ها کسی نیست جز حضرت مهدی عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف. در دوران حکومت ایشان، ارزش‌های اخلاقی به اوج کمال خود می‌رسد. همان‌طور که در روایات شریف به این مسئله اذعان شده است. امام باقر علیه السلام در این زمینه می‌فرمایند:

إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَصَعَّ يَدُهُ عَلَى رُءُوسِ الْعِبَادِ فَجَمَعَ بِهَا عُقُوبَهُمْ وَ كَمَلَتْ بِهَا أَخْلَامَهُمْ؛ وقتی قائم ما قیام کند، دستش را بر سر بندگان می‌گذارد پس عقوبت آن‌ها را متمرکز می‌سازد و اخلاقشان را به کمال می‌رساند (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۲، ص ۳۲۸).

در جامعه مهدوی دوستی و برادری به نهایت خود می‌رسد؛ به‌گونه‌ای که سخن از کینه و دشمنی، موضوعیتی نخواهد داشت. رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در این باره می‌فرماید: «... لتذهبن الشحناء و التباغض و التحاسد؛ با ظهور مهدی کشمکش و کینه‌ورزی‌ها و حسادت‌ها از بین خواهد رفت» (همان). در روایت دیگری نیز آمده است: «... الْمُهْدِي وَ هُوَ رَجُلٌ مِنْ وُلْدِ هَذَا وَ

أَشَارَ بِيَدِهِ إِلَى عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِهِ يَمْحَقُ اللَّهُ الْكَذِبَ وَيُذْهِبُ الزَّمَانَ الْكَلْبَ» (ابن ابی زینب، ۱۳۷۹: ص ۱۸۵). با وجود ایشان روابط نامشروع، شرب خمر و ربا نیز از بین خواهد رفت. «... یذهب الوباء و الزنا و شرب الخمر و الربا» (حایری یزدی، ۱۴۲۲: ج ۲، ص ۲۴۷).

اخلاق و اخلاق‌مداری محل تجلی عمومی‌ترین جذابیت‌ها و ارزش‌های انسانی است. به همین‌سان جامعه اخلاقی، بیش‌ترین کشش و جاذبه را برای طیف‌های مختلف جامعه در پی دارد. برقراری روابط هریک از افراد و گروه‌های اجتماعی بر مبنای ارزش‌های اخلاقی، به هم‌افزایی فضایل اخلاقی نیز می‌انجامد و از ترویج رذایل و کژ رفتاری‌های اخلاقی در سطح جامعه می‌کاهد. اخلاق از چنان ظرفیت بالایی در جذب افراد برخوردار است که از «اخلاق نبوی» به عنوان معجزه دوم خاتمیت نام می‌برند. معجزه‌ای که منزلتی فراتر از قرآن و فراتر از سایر معجزات را به خود اختصاص داده است (بهشتی، ۱۳۸۷: ص ۱۵۷).

با توجه به اهمیت فضایل و احقاق کامل آن در آموزه‌های مهدوی، نظام تعلیم و تربیت، می‌تواند از آن به عنوان یک الگوی مطلوب در جهت نهادینه کردن فضایل از یک‌سو و توسعه آن در سطح حداکثری، از سوی دیگر اقدام کنند. آن‌ها باید شیوه‌هایی را در نظر بگیرند که امیال فراگیران را در جهت تمنای زندگی فضیلت‌مندانه، یعنی زندگی‌ای که به سمت هدف اصیل ارزشمندی پیش می‌رود، برانگیزانند. از این‌رو، معرفی و الگوگیری از جامعه آرمانی ظهور که فضایل و ارزش‌ها در اوج و شکوفایی قرار دارد، می‌تواند تأثیر بسزایی داشته باشد. لازمه چنین امری تدارک و برنامه‌ریزی‌های مهندسی شده از سوی متولیان امر است. امام سجاد علیه السلام فرمودند: «وَأَمَّا حَقُّ رَعِيَّتِكَ بِالْعِلْمِ...» (ابن‌شعبه حرانی، ۱۴۰۴: ص ۲۶۱). واژه «رعیت» متضمن معنای رعایت و مراقبت است؛ یعنی کسی که والی باید از جان، مال و حقوق و آزادی‌های او مراقبت کند (مطهری، ۱۳۹۶: ج ۴، ص ۶۰۲). با توجه به فرموده امام، معلم و استاد در مقام والی وظیفه دارد که علاوه بر ارتقای سطح بینشی فراگیران نسبت به سلامت اخلاقی و تربیتی آن‌ها مراقبت ویژه داشته باشد. معلمان و استادان به واسطه علم و دانشی که خدا نصیب آن‌ها کرده است، قیم، راعی و سرپرست فراگیران شمرده می‌شوند. آن‌ها اگر به مقام معنوی خود آگاه باشند، به ندرت دچار لغزش‌های اخلاقی خواهند شد. آن‌ها اگر یقین کنند که وارثان مقام انبیاء هستند (شهیدثانی، بی‌تا: ص ۱۸۲)؛ و به مانند پدران آن‌ها، حق پدری بر فراگیران دارند (منسوب به



علی بن موسی علیه السلام، ۱۴۰۶: ص ۳۳۴)، هیچ‌گاه به خود اجازه نخواهند داد در حق فرزندان خود خیانت و یا کم‌کاری کنند. این مسئله چنان حائز اهمیت است که امام خمینی رحمته الله علیه نیز در این زمینه می‌فرمایند:

معلم امانت‌داری است که غیر همه امانت‌ها، انسان امانت اوست. امانت‌های دیگر را کسی خیانت بکند، خلاف کرده است؛ ولی اگر به انسان خیانت شود، یک وقت می‌بینید خیانت به یک ملت است، خیانت به یک جامعه است، خیانت به اسلام است. بنابراین، این جایگاه درعین حالی که بسیار ارزشمند است، لکن مسئولیت بسیار بزرگ بر دوش انسان است (خمینی، ۱۳۷۳: ج ۱۴، ص ۳۵).

از این رو برای کمک به فراگیران به منظور فضیلت‌مند شدن باید کاری بیش از صرف ارائه درس‌هایی که نظریات اخلاقی را آموزش می‌دهند، انجام داد. با توجه به مطالعات صورت‌گرفته، در این زمینه غیر از چند پژوهش مناسب، پژوهش قابل توجهی به لحاظ کمی و کیفی صورت نگرفته است. از جمله پژوهش‌های صورت‌گرفت، مقاله «راهبردهای ارتقای معرفت مهدوی در نظام آموزشی»، از حسن‌علی سعدی و علیرضا کاظمی در سال ۱۳۹۰؛ مقاله «بررسی جهت‌گیری‌های راهبردی و ظرفیت‌های نهادی آموزش و پرورش کشور در ترویج فرهنگ انتظار و ایجاد جامعه زمینه‌ساز با تأکید بر مبانی مهدوی و رویکردهای زمینه‌ساز سند تحول بنیادین آموزش و پرورش»، از کامیار قهرمانی‌فرد و همکاران در سال ۱۳۹۱ و مقاله «نقش معلم در زمینه‌سازی ظهور و تحقق جامعه مهدوی»، از محمدرضا سرمدی و همکاران در سال ۱۳۹۲.

در این پژوهش سعی شده است به روش «توصیفی - تحلیلی» و با رویکرد ایجابی، کارکرد نظام آموزشی در توسعه ارزشمندی، مبتنی بر آموزه‌های مهدویت را مورد بررسی قرار دهد. از این رو، ابتدا ضمن تبیین آموزه‌های ارزشی مهدویت، مصادیقی از آن را بیان و به توضیح هر یک پرداخته و در ادامه سهم هر یک از این فضایل در توسعه فضیلت‌مندی و ارزش‌مداری نظام تعلیم و تربیت مورد بررسی قرار خواهد گرفت.



۲. جایگاه فضیلت‌گرایی در نظام آموزش

فیلسوفان اخلاق در غرب، این بحث را تحت عنوان «اخلاق فضیلت» دنبال می‌کنند. آن‌ها معتقدند سعادت و رستگاری در گرو وجود ملکات و حالت‌های نفسانی پایداری است که شخصیت و منش شخص را شکل می‌دهد. در این ارزیابی اخلاقی، توجه به صورت باطنی عمل و منش فضیلت‌مندانه فاعل، بسیار حائز اهمیت است (پینکافس، ۱۳۸۲: ص ۱۹-۱۸ و دبیری، ۱۳۹۲: ص ۱۱۵). «فضیلت»، حال درونی مطلوبی است که برای انسان پدید می‌آید و ارزش اخلاقی از اساس، متعلق احوال قلبی و درونی است. این اخلاق در پی پرورش و تربیت نفس و ایجاد صفات اخلاقی پسندیده و از بین بردن صفات اخلاقی ناپسند است. لذا به افعال انسان از آن‌رو توجه می‌کنند که موجب ملکه نفسانی و صفات درونی پسندیده یا زوال صفات درونی ناپسند شود. در این رویکرد، منشأ اخلاقی مهم است که به فاعل اخلاقی ناظر است، نه قواعد اخلاقی؛ یعنی مجموعه معین و مدونی از اصول اخلاقی در اختیار نیست تا براساس آن‌ها بتوان تصمیم گرفت که در زمانی خاص چه فعلی را باید انجام داد. هر عملی زمانی شریف تلقی می‌شود که توسط یک عامل فضیلت‌مند یا شریف انجام شود. لذا به جای تأکید صرف بر رفتار اخلاقی، منش فرد معیار سنجش فرهیختگی اخلاقی قرار می‌گیرد و به جای این که اعمال مورد ارزیابی قرار بگیرند، منش، مقاصد و انگیزه‌های انسان داوری می‌شود (Carr, 1983: p.51-49). منش به کیستی ما و این که به چه کسی تبدیل می‌شویم مربوط می‌شود و لذا منش اخلاقی، مبنای اعمال اخلاقی قرار می‌گیرد (آرتور، ۱۳۹۷: ص ۲۶-۲۷ و ۵۲). ناگفته نماند که فضیلت‌گرایی موجود نزد مکاتب غربی قابل تأمل و نقد است. از مهم‌ترین نقدهای موجود، توجه صرف به اخلاق فاعلی است، درحالی که نسبت به حسن و قبح که گاهی در عقاید، گاهی در اوصاف و حالات نفسانی و گاهی در افعال، مطرح است، ساکت مانده است (فقیهی، ۱۳۹۵: ص ۵۸). در فضیلت‌گرایی رایج، رضای خداوند یا سعادت اخروی مطرح نیست و اساساً نیت انجام دادن کارها مهم نمی‌باشد (وجدانی و همکاران، ۱۳۹۳: ص ۶۰). چنین تربیتی، نهایت می‌تواند شهروند خوب و پای‌بند به هنجارهای اجتماعی تربیت کند نه انسان متخلق به اخلاق نیکوی الهی و مکارم اخلاق؛ چیزی که باید دغدغه مهم متولیان امر آموزش و تربیت باشد.

امروزه بیش‌تر مراکز علمی جهان، آموزش همراه با منش را جزو برنامه‌های آموزش خود قرار



داده‌اند. پیروان این مکتب معتقدند نظام آموزشی که فارغ‌التحصیل‌هایی متفکر، اما فاقد منش مناسب پرورش داده و راهی جامعه کند؛ نه تنها برای خدمت به مردم کافی نیستند، بلکه تهدیدی برای جامعه به حساب می‌آیند (ام کینگ، و دیگران، ۱۳۹۷: ص ۳۸). آیزنر^۱ (۱۹۸۳) در مقاله‌ای تحت عنوان «نوع مدارس که نیاز داریم»،^۲ این‌گونه بیان می‌کند که در مدارس امروز فقط بر مهارت‌های خواندن، نوشتن و حساب‌کردن تأکید می‌شود؛ درحالی‌که این مهارت‌ها ذاتاً دارای ارزش نیستند و در تعلیم و تربیت، به‌تنهایی تهی از فضیلتند. مسئله این نیست که دانش‌آموز می‌تواند بخواند، بلکه این است که او چه و چگونه می‌خواند؟

ارزش مدارس در تربیت انسان‌های فرهیخته نهفته است (شعبانی، ۱۳۹۱: ص ۱۹). معلمان و استادان نقش ویژه‌ای در این فرهیختگی دارند. آن‌ها باید بدانند توانایی‌شان برای تعلیم فضیلت، به‌شدت بر «فضیلت‌مند بودن» خود آن‌ها مبتنی است (آرتور و دیگران، ۱۳۹۷: ص ۱۹۵). معلمان و استادان نه تنها باید در گام اول، نسبت خود اقدام کنند و به کسب فضایل پردازند و آن‌ها را در خود درونی کنند، بلکه در فرایند تدریس نیز باید بر قابلیت‌های فراگیران متمرکز شوند و آن‌ها را قادر سازند تا بفهمند قابلیت‌هایشان، اعم از اخلاقی و غیراخلاقی چگونه قابل شکوفاشدن است (نیکنسن، ۱۳۸۹: ص ۲۲۹).

در این زمینه فنسترماخر معتقد است اگر معلم بخواهد در زمینه ترویج فضیلت‌های اخلاقی و عقلانی موفق باشد، بایستی در بالاترین سطح از نظر «منش» باشد. وی منش را به‌عنوان یک عمل پایدار همراه با مجموعه ویژگی‌های شخصیتی نسبتاً ثابتی که با فضیلت‌های سطح بالای انسانی و اخلاقی مرتبط هستند؛ تعریف کرده است (Fenstermacher, 2001: p.639-653). لیکونا^۳ (۱۹۹۳) نیز می‌گوید: «آموزش در طول تاریخ همیشه دو هدف بزرگ داشته است: کمک به هوشمندی افراد» و «کمک به نیک شدن آن‌ها». اگر در هر یک از این ابعاد، کوتاهی از سوی معلمان و استادان یا نهادهای علمی صورت گیرد، شاهد مشکلات زیادی خواهیم بود (شعبانی،

-
1. Eisner.
 2. The Kind of Schools We Need.
 3. Lickona.

۱۳۹۱: ص ۱۹).

اگر چنین رویکردی را از منظر اخلاق جهانی تاحدی مقبول بدانیم، می‌توانیم از ارزش‌هایی سخن بگوییم که در یک نظام فکری مثل مکتب تشیع قابل اعتناست. چنین فضیلت‌مندی در فضای تعلیم و تربیت قطعاً مورد توجه آموزه‌های قرآنی و روایی است و در سیره و عمل دانشمندان اسلامی نیز قابل رصد کردن است؛ اما بهره‌مندی از ظرفیت آموزه‌های مهدوی که متصل‌کننده گذشته به آینده است و می‌تواند نسل کنونی را با حقیقتی روبه‌جلو مواجه کند، حائز اهمیت است. ازین‌رو، می‌توان مهم‌ترین ظرفیت‌های ارزشی مهدویت را از این منظر مورد توجه قرارداد که بدان پرداخته خواهد شد.

۳. عدالت‌خواهی

«عدالت»، در روح و فطرت انسان ریشه دارد و خداوند متعال انسان‌ها را به عدالت فرمان داده است. «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ» (نحل: ۹۰). اگرچه این آیه مستقیماً به عدالت اجتماعی ربط ندارد و به فطری بودن آن ناظر است، منتها باید دانست عدالت‌خواهی برخاسته از وجود عدالت است. از این‌رو، این مسئله نشان می‌دهد که عدالت و عدالت‌خواهی به دین و فرقه خاصی اختصاص ندارد، بلکه خواسته همه مردم است (حلیمی جلودار و نوری، ۱۳۹۱: ص ۱۰۰-۱۰۲). براساس سنت الاهی، جامعه بشری در روند رو به تکامل خود، به استقبال تحولی بزرگ و شگرف می‌رود تا شاهد ظهور منجی عادل عدالت‌گستری باشد که بر مبنای اصول و قوانین الاهی، نظام کاملاً عادلانه‌ای را بنیان گذارد؛ نظامی که در آن ذره‌ای ظلم راه ندارد. براساس شواهد و یافته‌ها، بیش‌ترین دغدغه و مسئله‌ای که مردم جهان را آزار می‌دهد و زندگی را بر آن‌ها سخت و غیرممکن کرده، انواع و اقسام ظلم‌ها و بی‌عدالتی‌هاست. لذا در هیاهوی این مشکلات، همیشه این آرزو که کسی از راه برسد و آن‌ها را نجات بدهد، آن‌ها را امیدوار ساخته است. بیش‌ترین مسئله‌ای که جوامع بشری را رنج می‌دهد، نبود عدالت است. از این‌رو، یکی از آرزوهای جوامع امروز، عدالت‌همگانی است؛ این‌که کسی بیاید و مردم را از این همه ظلم و ستم برهاند. تحقق عینی و واقعی چنین آرزویی تنها در حکومت جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف رخ خواهد داد. اهمیت و قطعیت عدالت در دولت مهدوی، بارها و بارها از زبان ائمه معصوم علیهم‌السلام مورد توجه



قرار گرفته و آن را نوید داده‌اند. همان‌طور که امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «أَمَّا وَ اللَّهُ لَيَدْخُلَنَّ عَلَيْهِمْ عَذْلُهُ جَوْفَ بُيُوتِهِمْ كَمَا يَدْخُلُ الْحُرُّ وَالْقُرُّ؛ به خدا قسم! [مهدی] عدالت را در خانه‌های مردم خواهد برد، آن‌چنان که سرما و گرما به درون خانه‌ها نفوذ می‌کند» (ابن ابی زینب، ۱۳۹۵: ص ۲۹۷).

آموزه مهدویت با ماهیتی پیش‌رو و فعال، بر تحولات سیاسی و اجتماعی تأثیرگذار بوده است. این آموزه بر اثر اختلاط با گفتمان‌های سیاسی، جلوه‌هایی از ظلم‌ستیزی و استکبارستیزی از خود نشان می‌دهد که با ماهیت استعماری کشورهای غربی ناسازگار است (شجاعی مهر و لکزیایی، ۱۳۹۳: ص ۹). از دیگر فرصت‌های موجود، بهره‌گیری از همین قابلیت‌هاست؛ این‌که در مقابل ظلم و ستم ساکت ننماید و عزت را بر ذلت ترجیح دهید. روحیه آزادی‌خواهی داشته باشید و مجاهدانه برای رسیدن به اهداف خود پیش بروید. متولیان امر آموزش و تربیت، خصوصاً معلمان و استادان باید این‌گونه روحیات را در فراگیران به‌وجود بیاورند و در پرورش و تقویت آن تلاش داشته باشند. آن‌ها می‌توانند برای نمونه به انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی رحمته الله علیه اشاره کنند و توضیح دهند که ایشان در بحبوحه قدرت‌های جهانی و در برابر حکومت ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی با سر دادن «شعار آزادی»، به تن حاکمان جور و حامیان آن‌ها لرزه انداخت. روحیه ظلم‌ستیزی در برخی از کشورهای منطقه، از جمله فلسطین، یمن، بحرین، نشأت‌گرفته از همین آموزه‌های عدالت‌خواهی و ظلم‌ستیزی است که مردم ایران با تمسک به آن توانستند در برابر حکومت ظلم قیام کنند و انقلاب اسلامی را با رهبری حضرت امام خمینی رحمته الله علیه تشکیل بدهند و آن را به همه جهان صادر کنند (پورسیدآقایی، و دیگران، ۱۳۹۰: ج ۲، ص ۳۰).

فراگیران باید بدانند که آن‌ها، معمار سرنوشت جامعه و تاریخ‌اند و لذا با خود آنان است که بخواهند شرایط نابسامان جامعه خویش را تغییر بدهند یا ندهند. در برابر ظلم ساکت بمانند یا به مبارزه به آن بپردازند.

۴. صلح طلبی

همواره در طول تاریخ، شاهد جنگ‌ها و خونریزی‌های زیادی بوده‌ایم که اغلب برای تصاحب

قدرت و حکومت بوده است. دنیای امروز نیز با این که داعیه دار صلح و آرامش است و آوازه صلح جهانی اش گوش همه جهانیان را گر ساخته، بی نصیب از جنگ و خونریزی نبوده است و همان طور که شاهد هستیم در قالب های پیچیده تری نیز در حال وقوع است. جنگ های روانی و ترکیبی، نمونه ای از این دست می باشد که مصادیقی از آن را در کشور سوریه و ایران شاهد بودیم. اساساً فطرت انسان ها بر «صلح طلبی» استوار است و خوی جنگجویی و خونریزی را نمی پسندد؛ اما متأسفانه بشر امروز از اصل اولیه و فطری خویش فاصله گرفته و جهت تطمیع خواسته های خویش تن به هر امری می دهد. لذا با چنین روحيات و خلق و خوی هایی نمی توان در زمان کنونی امید صلح و آرامش را داشت؛ اما همه ادیان، وعده صلح و آرامش را در آینده ای نه چندان دور به پیروان خود داده اند. پیروان ادیان ابراهیمی بر این باورند که صلح مطلق، در زمان حکومت آخرین منجی، اتفاق خواهد افتاد.

متولیان امر آموزشی و تربیتی می توانند با طرح و تصویر ظلم های جهانی و بی عدالتی های موجود، تصویری از آرامش و صلح جهانی در پرتو وجود امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریح به نمایش بگذارند که بر اساس آن افراد ضمن تبری از هرگونه ظلم و فساد، مایل به مشارکت در چنین صلح جهانی شوند.

۵. امیدبخشی

«امیدآفرینی» بخش عمده ای از فرهنگ و اخلاق اسلامی است. امید به منزله روح تمدن اسلامی است. آدمی همیشه و همواره چشم به راه و منتظر شرایط بهتری است؛ زیرا هیچ گاه آن چه در برابر او قرار داشته، مطلوب نهایی او نبوده است. انسان بنابر حس کمال خواهی اش، همواره در انتظار مطلوب برتر و کامل تر بوده است. این میل و اشتیاق فردی در حیات جمعی آدمی نیز آثار خود را نشان داده؛ چنان که برای نمونه اندیشه های «آرمان شهر»، «مدینه فاضله» و مانند آن، گویای طرح اجتماعی مطلوبی در اندیشه است که این جا و اکنون محقق نشده و شاید در آینده با فراهم شدن شرایط خاص محقق گردد (کلباسی اشتری، ۱۳۸۹: ص ۱۷). در این میان، مفهوم آینده «روشن» و «رهایی» به چیزی ناظر است که نگرش بشر را به آینده معطوف می دارد؛ آینده ای سرشار از عدالت و برابری. بدین ترتیب، «نجات» ناگزیر امری بالفعل نیست،



بلکه با فراهم آمدن شرایطی خاص محقق می‌گردد و در این جاست که آدمی به انتظار و لوازم و مقتضیات آن باید تن دردهد. ظهور منجی موعود، تحقق بخش آرمان دیرپای بشری برای زندگی در یک مدینه فاضله است (عرفان، ۱۳۹۳: ص ۱۹۰ و بهروزلک، ۱۳۸۸: ص ۷۳). این مسئله در ادیان آسمانی وجود دارد و می‌توان آن را از اشتراکات بین آن‌ها دانست. آن‌ها معتقدند در آینده منجی عالم بشریت خواهد بود و با آمدنش، صلح و آرامش را به جهان برخواهد گرداند (محمدی، ۱۳۸۸: ص ۲۶۲). جان هیک^۱ درباره مشترک بودن بحث نجات در ادیان می‌گوید:

در کلیه ادیان بزرگ و متکامل جهانی، به نوعی اعتقاد به رستگاری و مبحث نجات‌شناسی وجود دارد. در این ادیان عقیده به انتقال از یک حیات اساساً مصیبت‌بار به وضعیتی کاملاً امیدبخش و بهتر در کار است (هیک، ۱۳۷۶: ص ۱۸).

اگر بستر اعتقادی مردم بر مبنای آموزه‌های وحیانی و صحیح شکل گیرد، نور امید به آینده و انتظار فرج و گشایش برای او فراهم می‌گردد و هرچه این اعتقاد از عمق بیش‌تری برخوردار باشد، بی‌شک نور امید به آینده فروزان‌تر خواهد بود و موجبات بهتری برای کاهش فشارهای درونی را فراهم خواهد کرد. شهید مطهری معتقد است که اصل «انتظار فرج» از یک اصل کلی اسلامی و قرآنی دیگر استنتاج می‌شود و آن اصل «حرمت یأس از روح الله» است. مردم مؤمن، به عنایات الهی، هرگز و در هیچ شرایطی امید خویش را از دست نمی‌دهند و تسلیم یأس و ناامیدی و بیهوده‌گرایی نمی‌گردند (مطهری، ۱۳۸۷: ج ۲۴، ص ۴۰۶).

یکی از نهادهای مهمی که می‌تواند نقش حائز اهمیتی در امیدآفرینی ایفا کند، نظام تعلیم و تربیت است. آن‌ها باید با بهره‌گیری از آموزه‌های مهدوی که سراسر امید و نشاط است، حس امید، پویایی و سرزندگی را در آن‌ها زنده نگه دارد و اجازه ندهد فشارها و مشکلات، آن‌ها را از حرکت و تلاش باز دارد. خوش بینی به زمان و فرجام امور، آستانه تحمل افراد را در برابر مشکلات بالا می‌برد و روزه‌های امید را پیش چشم آن‌ها می‌گشاید (بهروزلک، ۱۳۸۲: ص ۱۴۹). هر نظام اجتماعی و هر نظام دینی برای بقا، استمرار و پویایی خود به عنصری به نام «آینده»

1. John Hick.

نیاز دارد. اگر اعتقاد به مهدویت و چشم به راه مصلح جهانی بودن در دین اسلام وجود نداشت، جامعه اسلامی از تحرک و پویایی در دوران تاریخ باز می ماند و به جامعه ای ایستا و مرده تبدیل می شد؛ اما در سایه اعتقاد به مهدویت و انتظار حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، روحیه امیدواری در تمام مسلمانان تجلی کرده (ربانی خوراسگانی، ۱۳۸۸: ص ۲۵) و برای رسیدن به چنین آینده ای، تلاش و حرکت نیاز است (مطهری، ۱۳۷۲: ص ۶۲ و ربانی خوراسگانی، ۱۳۸۸: ص ۴۱). این تحرک و پویایی باید در تمام عرصه های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، علمی و فرهنگی جریان داشته باشد. انتظار مورد تأیید اسلام و تشیع، انتظار سازنده است. انتظار سازنده نیز تحرک بخش، تعهدآور و درحقیقت نوعی عبادت است (همان). این نشاط و پویایی علاوه بر آن که تعلق خاطر بیش تر به فرهنگ دینی را در قشرهای اجتماعی پدید می آورد؛ وفاداری و مشارکت اجتماعی برای ساختن جامعه بر پایه آرمان های مهدوی را تقویت می کند. این نشاط و پویایی، خود زمینه ساز حرکت به سوی هویت یابی جهانی بر پایه الگوی مهدوی در ابعاد گسترده تر نیز به حساب می آید (جمعی از محققان، ۱۳۹۲: ص ۳۲۸).

با توجه به چنین ظرفیت ناب و سراسر امید و انگیزه، این سؤال مطرح می شود که نظام های آموزشی و تربیتی چقدر توانسته اند از این ظرفیت در محتوای آموزشی و تربیتی استفاده کنند؟ چقدر تلاش کردند روح امید و زندگی هدف مند را در بین فراگیران ایجاد کنند. مطمئناً چنگ زدن به آموزه های مهدوی، آن هم به روش خلاقانه و جهت دار می تواند ضمن تخریب شرایط خمودگی و ناامیدی، روح امید و حرکت را در بین فراگیران زنده سازد و آن ها را برای اهداف بلندمدت و تمدن ساز آماده سازد.

۶. معنابخشی^۱

انسان ها براساس «اهدفی» که برای زندگی خود انتخاب کرده اند، ارزش پیدا می کنند.

۱. قابل توجه است که در این جا بحث فلسفی پیش می آید که آیا معنا را می توان بخشید یا باید آن را پیدا کرد؟ از آن جا که مقاله گنجایش پرداختن به این پیش فرض ها را ندارد و لذا از توضیح آن صرف نظر کرده و مخاطب را به آن توجه داده است.



موارد متفاوت و متنوعی می‌تواند به عنوان هدف زندگی انتخاب شوند و زندگی را متناسب با آن هدف جهت داد. کسب ثروت، لذت، رفاه و قدرت نمونه‌هایی از این اهداف به‌شمار می‌روند (فیروزآبادی، ۱۳۹۳: ص ۲۳۱ و بهروزی لک، ۱۳۸۴: ص ۱۹۰-۱۹۲). آن‌چه باعث این حجم از تفاوت‌ها می‌گردد، اختلاف در مبانی انسان‌شناختی، ارزش‌شناختی، معرفت‌شناختی، هستی‌شناختی، نوع اهداف و شیوه دستیابی به آن‌هاست (شریفی، ۱۳۹۲: ص ۹۴-۱۰۷). از همین‌رو در طول تاریخ مکاتب مختلف شکل گرفت که با دادن وعده‌های حتمی جهت محقق کردن این اهداف، مردم را به زندگی و آینده بهتر امیدوار ساخته‌اند. غرب در بدو پیدایش، عالمی را فراروی انسان گشود که در آن، انسان می‌پنداشت می‌توان این بهشت این‌جهانی را با بی‌نیازی از آسمان و هرگونه نسبت دینی بنا کرد (شفیعی سروستانی، ۱۳۹۰: ص ۲۸)؛ اما متأسفانه این وعده‌ها نه تنها محقق نشد، بلکه شرایط نابسامان‌تری را برای افراد جامعه رقم زد. ناکارآمدی و شکست‌های حاصل از این نوع زندگی‌ها و پاسخ‌گو نبودن به نیازهای فطری، رفته‌رفته افراد جامعه را به سوی بحران بی‌معنایی و بی‌هویتی سوق داده است. طبیعتاً نداشتن فلسفه درست و اساسی از زندگی و هم‌چنین فقدان آرمان عالی و معنوی، معنای زندگی را به چالش خواهد کشاند (محمدی منفردی، ۱۳۸۷: ص ۷۰)؛ این بی‌معنایی آدمی را به زیستن تنفرآور مجبور می‌گرداند، به‌گونه‌ای که در آن همه ارزش‌ها رنگ می‌بازد و قوانین و روابط حاکم بی‌اعتبار می‌گردد. آن‌ها درحقیقت دچار پوچ‌گرایی می‌گردند (همان).

در دنیای کنونی نیز افراد با آن همه زرق و برق‌ها و تکنولوژی‌های پیشرفته، احساس پوچی و بی‌معنایی می‌کنند. این احساس در جوامع غربی و در بین جوانان به‌وفور قابل مشاهده است؛ آمار خودکشی‌ها، جنایات، قتل، بی‌هویتی، تأییدی بر این مدعا است. مطالعات و شواهد تاریخی نیز گواه خوبی است تا برایمان مشخص سازد که تمدن‌ها و سیاست‌هایی که بر پایه مادی‌گرایی شکل گرفته‌اند، هیچ‌گاه نخواهند توانست معنای حقیقت زندگی را به مردم خود عرضه کنند، لذا دچار افول و فروپاشی خواهند شد (شفیعی سروستانی، ۱۳۹۰: ص ۱۱۱). چون توجه به یکی از نیازهای فطری انسان؛ یعنی توجه به معنویات و ارزش‌های دینی که یکی از مهم‌ترین نیازهای بشر است، مورد غفلت قرار گرفته است.

از نگاه ادیان الهی و پیروان آن‌ها، زندگی معنادار است. در بین دین‌داران، شیعیان با توجه

به مسئله امامت، نگاه عمیق‌تری برای معنابخشی زندگی دارند. خدای متعال با فرستادن پیامبران و امامان معصوم علیهم‌السلام این حقیقت و معنا را برای مردم تفسیر کرده و می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ»؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چون خدا و پیامبر، شما را به چیزی فراخوانند که به شما حیات می‌بخشد، آنان را اجابت کنید» (انفال: ۲۴)؛ چرا که چیزی که شما را به سوی آن فرامی‌خوانند همان حیات معنادار و طیبه‌ای است که خدای متعال آن را به مؤمنان وعده داده است: «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْثَى وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً»؛ هر کس از مرد یا زن کار شایسته کند و مؤمن باشد، قطعاً او را با زندگی پاکیزه‌ای حیات [حقیقی] بخشیم» (نحل: ۹۷).

نگرش شیعیان به مبدأ عالم، آخرت، مسئله مرگ، هدف‌مندی خلقت و مهم‌تر از همه امید به آینده روشن، کاملاً متمایز از رویکرد پوچ‌گرایان است (رجبی، ۱۳۹۷: ص ۳۴۴). آیات پایانی سوره مبارکه یس به این دو نوع نگرش اشاره دارد (یس: ۷۷-۸۳). اگرچه مکاتب الهی و شاید برخی از معنویت‌های نوظهور به انسان‌ها زندگی معناداری را وعده می‌دهند (استیس، ۱۳۸۲: ص ۱۱۰-۱۱۱ و راسل، ۱۳۷۷: ص ۱۴)؛ اما این امر در جامعه مهدوی اولاً، در اوج قرار داشته و ثانیاً، امری مصنوعی و امیدبخش زودگذر نیست (رجبی، ۱۳۹۷: ص ۳۵۷)؛ و ثالثاً علاوه بر معنابخشی به حیات فردی و جمعی امت خود، حیات تاریخی بشر را نیز قابل فهم و معنادار می‌سازد (موحدیان عطار و دیگران، ۱۳۹۳: ص ۴۸۷). گاهی نسخه‌ای که معنویت‌های نوظهور برای درمان معناداری زندگی پیشنهاد می‌کنند، نه تنها سطحی و موقت است، چه بسا در پاره‌ای از موارد، فرد را در تحیر و سردرگمی عجیب‌تری فرو ببرد و این، در حالی است که زندگی انسان منتظر، از امید واقعی سرشار است. آن‌ها به خوبی می‌دانند که وعده الهی حتمی است؛ لذا با همه سختی‌های موجود، احساس ارزش‌مندی و هدف‌مندی خواهند داشت؛ این سختی‌ها چه بسا برای دینداران و منتظران واقعی بیش‌تر هم باشد؛ ولی هیچ‌گاه آن‌ها را به نقطه پوچی و بی‌معنایی نخواهد رساند؛ چون می‌دانند در پس این سختی‌ها و مشقت‌ها نیز معنایی نهفته است. بنابراین، می‌توان گفت باورداشت مهدویت همراه با مؤلفه‌های خود، آینده‌ای درخشان را فراسوی بشر ترسیم می‌نماید و حیات فعلی او را نیز از امید و آرامش روحی و روانی سرشار می‌گرداند و از همه مهم‌تر یک زندگی پرمعنایی را تقدیم بشر می‌کند (محمدی منفردی، ۱۳۸۷:



ص ۲ و مطهری، ۱۳۷۹: ج ۲، ص ۴۵-۵۲).

اندیشه مهدویت، سیر تمدن بشری را هدف‌مند دانسته و مهم‌تر این‌که با بشارت پیروزی صالحان و پرهیزگاران در آینده و ظهور امام حاضر، انگیزه درونی مضاعفی برای تلاش و استقامت به انسان می‌بخشد (واسعی و عرفان، ۱۳۹۳: ص ۱۳۰-۱۳۱). بدون انتظار، زندگی مفهومی ندارد و شور و نشاط برای تداوم آن در کار نیست؛ زیرا احتمال معقول بقا و پایداری و امید به تداوم حیات است که به زندگی کنونی معنا و مفهوم می‌بخشد و پویایی و نیروی لازم برای ادامه آن را تأمین می‌کند. از این‌روست که ماهیت زندگی با انتظار پیوندی ناگسستنی دارد (مطهری، ۱۳۶۹: ج ۲، ص ۴۵-۵۲).

متأسفانه سیاست‌گذاری‌های موجود با وجود شعارهای به‌ظاهر خوب و امیدبخش، انسان‌ها را به مرحله‌ای رسانده‌اند که در حال حاضر نه‌تنها هیچ‌گونه تعریف و فلسفه خاصی از زندگی هدف‌مند ندارند، بلکه دچار نوعی سردرگمی و آشفتگی نیز شده‌اند. این حالت و روحیه نیز در بین جوانان شیوع بیش‌تری پیدا کرده است که عواقب و آثار بدتری را به همراه خواهد داشت. یکی از نظام‌های مهمی که می‌تواند فکر و برنامه‌ای کارساز برای این قشر از جامعه داشته باشد، سازمان‌های تعلیم و تربیت است. آن‌ها می‌توانند با استفاده از ویژگی‌های جامعه ظهور از محتواها و روش‌هایی بهره‌برند که جوان در خود احساس هدف‌مندی و فایده‌مندی داشته باشند، از شرایط نابسمان زود خسته و ناامید نشود و همواره برای رسیدن به اهداف متعالی تلاش کند. مبتنی بر چنین اعتقادی، زندگی برای آنان معنا دار خواهد شد.

۷. هویت بخشی

«هویت» را می‌توان ویژگی کیفیتی دانست که موجب تمایز و شناسایی فرد، قوم، یا جامعه‌ای از یکدیگر می‌شود. هویت، شاکله شخصیتی فرد است که ممکن است مورد فراموشی یا تغییر و تحول قرارگیرد. در واقع هویت، عامل یا عواملی است که فرد را از فردی و گروهی را از گروه دیگر مجزا می‌کند (زمانی محبوب، ۱۳۸۵: ص ۳۱). هویت شامل سه سطح «فردی»، «جمعی» و «ملی» است. هویت فردی یعنی همان چیزی که فرد به واسطه ویژگی‌ها، خصوصیات یگانه و منحصر به فرد خود مورد شناسایی قرار می‌گیرد و در عین حال، از دیگران متمایز می‌شود. هویت



جمعی نیز تعلق خاطر تعدادی از افراد به امور مشترک با عنوانی خاص است. درواقع هویت جمعی:

مجموعه‌ای از خصوصیات و مشخصات اجتماعی، فرهنگی، روانی، فلسفی، زیستی و تاریخی همسانی است که بر یگانگی یا همانندی اعضای آن دلالت می‌کند و آن را در یک ظرف زمانی و مکانی معین، به طور مشخص، قابل قبول و آگاهانه از سایر گروه‌ها متمایز می‌سازد (جکینز، ۱۳۸۱: ص ۵).

چنین تعلق موجب احساس همبستگی و شکل‌گیری یک واحد جمعی می‌شود که با عنوان ما از ماهای دیگر جدا می‌شود (توسلی و قاسمی، ۱۳۸۳: ص ۲). هویت ملی نیز دایر بر واحد مستقل سیاسی‌بی به نام «کشور» است و بر این اساس، همه افرادی که دارای تابعیت کشوری باشند، هویت ملی مربوط به آن کشور را دارند (قاسمی، ۱۳۸۳: ص ۱۵۵). این نوع هویت بالاترین و مشروع‌ترین سطح هویت است (جکینز، ۱۳۸۱: ص ۵). همان‌طور که گرینفلد در میان هویت‌های اجتماعی متعدد یک فرد، هویت ملی را مهم‌ترین هویت‌ها می‌داند (محسنی، ۱۳۸۳: ص ۵۲۷).

بی‌تردید نظام آموزشی و پرورشی، یکی از اساسی‌ترین نهادهای هویت‌ساز است. یکی از هدف‌های اساسی آموزش و پرورش، ایجاد حس مسؤولیت مدنی، احترام و علاقه به کشور خویش و خدمت‌گزاری شایسته به آن در میان فراگیران و نسل جدید است. تقویت روحیه دفاع از موجودیت تاریخی کشور به طور کلی یا دفاع از اجزای آن (فرهنگ، آب و خاک.....) در هنگامه تهدید و هجوم خارجی و نیز تقویت عرق ملی و حس علاقه پیشرفت و ترقی گروه ملی در عرصه رقابت‌های بین‌المللی از وظایف اساسی نظام تعلیم و تربیت محسوب می‌شود (عبایی کوپایی و دیگران، ۱۳۸۹: ص ۵). کوهن^۱ (۱۳۸۶) معتقد است که مدرسه، تنها مکانی برای یادگیری مهارت‌هایی مانند حساب کردن نیست، بلکه مکانی است برای یادگرفتن میهن‌پرستی (میلر، ۱۳۸۶: ص ۸۷). هم‌چنین پروند (۱۳۸۰) بر این باور است که:

مدارس هر جامعه به طور اعم و برنامه‌های آموزشی و درسی آن‌ها به طور اخص، باید

1. Koohen.

آیین‌ها تمام‌نمایی از خصایص قومی، تاریخی و فرهنگی آن جامعه به‌شمار آید و اغلب منعکس‌کننده ارزش‌ها، آداب و سنن فرهنگی و یادآور تجربیات قومی و تاریخی آن مردم باشد (پروند، ۱۳۸۰: ص ۱۸۱).

برای این‌که جامعه گرفتار بحران هویتی نشود، لازم است هویت مستقل خودش را حفظ و صیانت کند تا بتواند در سایه آن از وحدت ملی، منافع ملی، استقلال ملی و انسجام ملی بهره‌مند شود. هویت بخشی به نسل جوان و جلوگیری از بی‌هویتی جوانان که آینده‌سازان کشورند باید به درستی تفهیم و منتقل شود تا آنان بتوانند در مقابل هجمه‌های بیگانگان مقاومت کنند. در دهه‌های اخیر، مقام معظم رهبری تأکید فراوانی درباره توجه جدی به مسئله آموزش و پرورش و عدم تناسب، وارداتی بودن و ناکارآمد بودن الگوی آموزش و پرورش فعلی و ایجاد تحول در نظام آموزش و پرورش دارند (رهبری و دیگران، ۱۳۹۴: ص ۴۶)؛ به‌گونه‌ای که معتقدند «جوان را با هویت بار بیاورید. اگر جامعه‌ای احساس هویت نکرد، صداها بلند تحکم‌آمیز، راحت او را مغلوب خواهد کرد» (بیانات رهبر انقلاب، ۲۰ / ۳ / ۱۳۹۷). این مسئله باید از اهم توجهات نظام آموزشی و تربیتی کشور باشد.

عقاید و ارزش‌های دینی، بخش قابل توجهی از عناصر هویتی را تشکیل می‌دهند و هویت دینی مشترک را در میان فرقه‌های مسلمان ایجاد می‌کنند. در اندیشه شیعه، عنصر امام، به‌ویژه باور به امام غایب، هویت جمعی را به جامعه شیعه می‌دهد. جامعه‌ای که به آینده حتمی حکومت جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف اعتقاد دارد و بر این باور است که مدینه فاضله محقق خواهد شد، می‌تواند زندگی امروز خود را براساس همان مؤلفه‌های مدینه فاضله مهدوی سامان دهد (بهریزی لک، ۱۳۸۴: ص ۶۸-۶۹)؛ و از بی‌معنایی و بی‌هویتی که امروزه دامن اکثر جوامع بشری، خصوصاً مکاتب غربی را فراگرفته، در امان باشد و با نگرش معناداری که به زندگی خود دارد، برای نیل به اهداف نهایی آن تلاش کند.

با توجه به اهمیت جایگاه نظام آموزشی و تربیتی در ایجاد هویت و تقویت آن، این نظام زمینه مساعدی است تا با بهره‌گیری از آموزه‌های مهدوی، این مهم را به شکل جدی‌تری دنبال کند؛ اما متأسفانه عدم به‌کارگیری روش‌های مناسب و دور بودن برنامه‌های آموزشی و تربیتی از ماهیت هویت‌بخش آموزه‌های دینی به خصوص آموزه‌های مهدوی، باعث شده است فراگیران



آن چنان که باید تعریف دقیقی از هویت اصیل خود نداشته باشند و به جهت تغذیه روحی - روانی و معرفی الگوهایی که از سوی رسانه‌های معاند صورت می‌گیرد، با نوعی هویت جدید روبه‌رو شده که با هویت اصیل خود فاصله زیادی دارد و چه بسا در بدترین اوضاع و احوال، دچار بحران هویت نیز گردد و لذا لازم است این مسئله به جد مورد توجه مراکز تعلیم و تربیت قرار گیرد. این امر می‌تواند در سه حیطة بینشی، گرایشی و کنشی فراگیران برنامه‌ریزی شود.

۸. همگرایی اجتماعی

یکی از بنیان‌های اصلی شکل‌گیری هویت اجتماعی، «احساس اشتراک اجتماعی و گروهی» است که افراد جامعه نسبت به یکدیگر پیدا می‌کنند و وقتی این احساس اشتراک به سطحی از وحدت برسد که افراد نوعی پیوستگی با یکدیگر را احساس کنند، هویت جمعی افراد در سطوح مختلف شکل می‌گیرد (کاظمی، ۱۳۹۵: ج ۲، ص ۳۸۹). امروزه این احساس مشترک در بین افراد کم‌تر شده و نوعی فردگرایی به جهانیان عرضه می‌شود. منظور از فرد گاهی خود فرد، گاهی نژاد خاص، گاهی قوم خاص، گاهی کشور و ملیت خاص است. در نظریه فردگرایی آن چه مهم است، خود فرد، نیازها و اهدافش است. در این نظریه روح تعاون و همکاری یا بسیار کم‌رنگ است یا به صفر می‌رسد. این روحیه را می‌توان در بین جوانان خود نیز مشاهده کرد که در درازمدت عواقب بسیار بدی برای جامعه خواهد داشت.

برخلاف ادعاهای غرب در جهت یکپارچه‌سازی تمدن‌های جهانی، جهان معاصر، جهان تفرقه و گسست ملت‌ها و امت‌هاست؛ به‌گونه‌ای که هریک دیگری را رقیب خود می‌پندارد و درصدد از بین بردن هم هستند. این، درحالی است که صلح و آرامش و انسجام و هماهنگی، جزو اصلی‌ترین مؤلفه‌های حکومت جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است. در دوران ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، یکپارچگی و یگانگی واقعی که همان جهان‌بینی الهی و توحیدی است، بر همه جوامع حاکم خواهد شد و براساس این جهان‌بینی، ارزش‌ها و هنجارهای اسلامی در تمام فرهنگ‌ها وجود خواهد داشت (ربانی خوراسگانی، ۱۳۸۸: ص ۲۰۴-۲۰۵). امام علی علیه السلام در این زمینه به مالک اشتر می‌فرماید: «... ای مالک! در این زمان قائم ما قیام کند و همه را بر یک مرام و عقیده گرد آورد» (ابن ابی زینب، ۱۳۷۹: ص ۲۰۶). از همین رو، یکی از راهبردهای اساسی



حکومت زمینه‌ساز، باید احترام به هویت‌های مختلف سرزمینی و پذیرش تفاوت‌های اجتماعی و فرهنگی باشد. در واقع، سیاست‌گذاران باید به رسمیت شناختن تفاوت‌ها و تنوع فرهنگی در جهت تحقق بخشیدن به همزیستی مسالمت‌آمیز در دو سطح ملی و فرا ملی تلاش کنند (قاسمی، ۱۳۸۹: ص ۴۲)؛ چرا که رسالت حضرت حجت عجل‌الله‌تعالی‌وآله‌وسلم همین است. قرآن کریم با وجود برتر دانستن کتاب آسمانی و دین اسلام، هرگونه انحصارطلبی و تخطئه کردن پیروان ادیان دیگر را مردود می‌داند (بقره: ۱۱۱؛ مائده: ۱۸؛ حج: ۱۷ و ممتحنه: ۸). بر این اساس، پذیرش تنوع و تفاوت‌های فرهنگی و استحکام پیوندها میان اجتماعات انسانی در ابعاد داخلی و خارجی از راهبردهای حکومت زمینه‌ساز است (قاسمی، ۱۳۸۹: ص ۴۲). تمام روایات مربوط به دوران حکومت مهدوی، جهان‌شمول و همگانی است و به مسلمانان اختصاص ندارد.

توجه به نقش دین در ایجاد انسجام اجتماعی از یک سو و تبلور کامل دین اسلام در اندیشه مهدویت از سوی دیگر، زمینه انسجام و همگرایی را بیش از پیش فراهم می‌سازد. انسجام و همبستگی اجتماعی را می‌توان یکی از اهداف اجتماعی اندیشه مهدویت به‌شمار آورد (ملکی‌راد، ۱۳۹۷: ص ۱۹۹ و ملکی‌راد و گودرزی، ۱۳۹۶: ص ۲۷)؛ که این، خود نشان از اهمیت گفتمان «همبستگی اجتماعی» است (چراغی کوتیانی، ۱۳۹۰: ج ۲، ص ۱۴۸). زمانی که اعتقاد به امامت و مهدویت در جامعه به صورت باور مشترک درآید و اعضای جامعه بر محور آن گرد هم آیند، تشتت و پراکندگی از بین خواهد رفت و انسجام اجتماعی پدید می‌آید (ملکی‌راد، ۱۳۹۷: ص ۱۹۹). در کنار این اتحاد و همبستگی، خیرخواهی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی نیز صورت می‌گیرد. اندیشه مهدویت، ویژه با رویکرد شیعی، از جهات مختلف می‌تواند در تنظیم روابط اجتماعی و استحکام آن، نقش داشته باشد. از منظر جامعه‌شناسان، یکی از کارکردهای اصلی دین، ایجاد همبستگی و وفاق اجتماعی است؛ چنان‌که دورکیم بر این باور است که «اجرای مراسم مذهبی و بعد مناسکی دین نقش مهمی در تقویت همبستگی اجتماعی ایفا می‌کند» (فصیحی، ۱۳۹۱: ص ۱۳۸-۱۳۹). از نظر وی:

تشریفات دینی هر قدر که کم‌اهمیت باشد، باز هم در مواقع مختلف به‌منظور انجام مناسک و مراسم دینی گرد هم جمع می‌کند. از این طریق صمیمیت بیش‌تری بینشان ایجاد می‌کند و نگاه افراد از همین رهگذر به هم تغییر می‌کند (همان، ص ۱۹۸).

در مقابل باید اعتراف کرد که اختلاف و عدم انسجام و اتحاد از جمله اموری است که جهان اسلام و بشریت را از نعمت حضور آخرین ذخیره الهی محروم می‌کند؛ چنان که در روایت شریف آمده است:

أَنِّي يَكُونُ ذَلِكَ وَ لَمْ يَسْتَدِرِ الْفُلُكُ حَتَّى يُقَالَ مَاتَ أَوْ هَلَكَ فِي أَيِّ وَاذٍ سَلَكَ فَقُلْتُ وَ مَا اسْتِدَارَةُ الْفُلِكِ فَقَالَ اخْتِلَافُ الشَّيْعَةِ بَيْنَهُمْ؛ چگونه ممکن است آن امر الهی الان واقع شود، درحالی که هنوز فلک برنگشته است. پرسیدند منظور از برگشتن فلک چیست؟ فرمود: «اختلاف شیعیان با یکدیگر» (ابن ابی زینب، ۱۳۹۷: ص ۱۵۷).

از این رو، جامعه منتظر باید تمام تلاش خود را در جهت همگرایی و وفاق جمعی به کار برد (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۲، ص ۲۲۸). توجه به این مسئله در نظام‌های آموزشی و تربیتی به عنوان یکی از مهم‌ترین نهادها که بخش قابل توجهی از فراگیران را با اختلاف مذاهب و فرهنگ‌ها در اختیار دارد، حائز اهمیت است. فراگیران باید بدانند مهم‌ترین و اصلی‌ترین آسیبی که اجتماع را در معرض خطر و فروپاشی قرار می‌دهد، اختلاف و تفرقه بین افراد جامعه است. این مسئله در طول تاریخ و براساس مستندات تاریخی نیز قابل اثبات است. حال برای این که اجتماع دچار چنین آسیب‌هایی نگردد، باید ضمن حفظ اتحاد و انسجام خود، راهکارهایی برای دفع و رفع این نوع معضلات در اختیار داشته باشد. یکی از این راه‌کارها، الگوگیری از جوامع موفق است. جوامعی که سطح اختلاف و تشتت آرا در آن بسیار پایین است. براساس آیات و روایات، چنین جامعه‌ای تنها در پرتو حکومت جهانی حضرت مهدی عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى وَرَحْمَةُ الرَّحْمَةِ تحقق خواهد یافت. همان‌گونه که رسول اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمودند: «به واسطه مهدی ماست که مردمان پس از نابودی زشتی‌های فتنه‌انگیز، برادران دینی یکدیگر خواهند شد» (همان، ج ۹۳، ص ۵۱). در برخی از مضامین دعایی نیز به این مطلب اشاره شده است:

السَّلَامُ عَلَى الْمُتَهْدِي الَّذِي وَعَدَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِهِ الْأُمَّمَ أَنْ يَجْمَعَ بِهِ الْكَلِمَ وَ يَلْمَ بِهِ الشَّعْثَ؛ سلام بر مهدی؛ سلام بر مهدی که خدای عز و جل امت‌ها را به وجود او وعده داد که به وسیله او سخن‌ها را جمع کند و پراکنده‌ها را گرد آورد» (کفعمی، ۱۴۱۸: ص ۲۸۶).

در سایه‌سار حکومت ایشان، تشتت و پراکندگی از بین خواهد رفت و انسجام اجتماعی پدید خواهد آمد (ملکی‌راد، ۱۳۹۷: ص ۱۹۹). اعتقاد به منجی و موعودباوری نقطه عطف پیوند



همزیستی پویا میان این دو مذهب است. براساس چنین آموزه مشترکی می‌توان در جهت همفکری و همکاری میان ادیان آسمانی، به‌ویژه مسلمانان اقدام کرد و بر طبق الگوی مدینه فاضله عصر موعود، زندگی امروز و قبل از حضور آن حضرت را سامان و نظم بخشید (کیانی، ۱۳۸۸: ص ۴۱). از این‌رو، جامعه منتظر باید تمام تلاش خود را در جهت همگرایی و وفاق جمعی به کار برد و از هرگونه اختلاف و تفرقه پرهیز کند.



نتیجه‌گیری

یکی از مهم‌ترین اهداف نظام‌های آموزشی و تربیتی، ایجاد، حفظ و توسعه فضایل است. تحقق چنین هدفی، نیازمند الگوی مناسبی در این راستا است. این الگو را می‌توان از آموزه‌های مهدوی برداشت کرد؛ چرا که بسیاری از فضایل، در این الگو به شکل عینی قابل تحقق است. نهادینه‌سازی و توسعه این فضایل ضمن این‌که هریک دارای ثمراتی است، در مجموع تضمین‌کننده رشد و سعادت فرد و جامعه است. از این‌رو، متولیان امر آموزشی و تربیتی می‌توانند برای بازنگری و بهره‌برداری بهتر و کامل‌تر از این ظرفیت، در توسعه فضیلت‌مندی در نظام آموزشی و تربیتی اقدام کنند. بازنگری در مفاهیمی چون عدالت‌خواهی، صلح‌طلبی، امید، معنای زندگی، هویت و همگرایی اجتماعی از آموزه‌های مهدوی و آموزش و انتقال آن به فراگیران در سه سطح شناختی، گرایشی و کنشی از طریق محتواهای درسی و غیردرسی (برنامه درسی پنهان) از مهم‌ترین اقدامات است.



منابع

قرآن کریم.

۱. ابن‌ابی‌زینب، محمد بن ابراهیم (۱۳۹۷). *الغیبة للنعمانی*، مصحح: علی‌اکبر غفاری، تهران، نشر صدوق.
۲. استیس، والتر، تی (تابستان ۱۳۸۲). «در بی معنایی معنا هست»، مجله نقد و نظر، مترجم: اعظم پویا، شماره ۲۹ و ۳۰.
۳. ام‌کینگ، پاتریشا، و دیگران (۱۳۹۷). *مسئولیت اخلاقی دانشگاه*، مترجم: آریا متین و ایمان بحیرایی، تهران، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی: وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.
۴. ایمانی نائینی، محسن (۱۳۸۶). «جایگاه و نقش تعلیم و تربیت در تحقق هویت ملی» در از هویت ایرانی: سلسله مقالات و گفتارهایی پیرامون هویت ایرانی، تهران، شرکت انتشارات سوره مهر.
۵. آرتور، جیمز، و دیگران (۱۳۹۷). *شهروندی و آموزش عالی*، مترجم: آریا متین و ایمان بحیرایی، تهران، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
۶. بالادستیان، محمدامین؛ حائری، محمدمهدی و مهدی یوسفیان (۱۳۹۱). *نگین آفرینش (۱) در سنامه*، قم، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف.
۷. بهروزی لک، غلامرضا (تابستان و پاییز ۱۳۸۲). «آسیب‌شناسی فرهنگ مهدوی در عصر جهانی شدن»، مجله انتظار موعود، شماره ۸ و ۹.
۸. _____ (۱۳۸۸). *سیاست و مهدویت*، قم، مؤسسه آینده روشن.
۹. بهشتی، احمد (۱۳۸۷). *اخلاق معجزه دوم نبوی*، تهران، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
۱۰. پروند، محمدحسن (۱۳۸۰). *مقدمات برنامه‌ریزی آموزشی و درسی*، تهران، شیوه.
۱۱. پورسیدآقایی، محسن؛ فهمیده قاسم‌زاده، محمد و عمرانی، مهدی (پاییز ۱۳۸۹). «راهبردهای فرهنگی مهدویت برای جامعه و دولت زمینه‌ساز، براساس مدل SWOT»، شماره ۱۵.
۱۲. بینکافس، ادموند (۱۳۸۲). *از مسئله محوری تا فضیلت‌گرایی*، مترجم: سیدحمیدرضا حسنی و مهدی علی‌پور، قم، نشر معارف.
۱۳. توسلی، غلامعباس و قاسمی، یارمحمد (پاییز و زمستان ۱۳۸۳). «هویت‌های جمعی و جهانی

شدن»، نامه علوم اجتماعی، شماره ۲۴.

۱۴. جمعی از نویسندگان، به کوشش رحیم کارگر (۱۳۹۲). **مهدویت و آینده پژوهی**، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

۱۵. جنکیز، ریچارد (۱۳۸۱). **هئیت اجتماعی**، مترجم: تورج یاراحمدی، تهران، انتشارات شیرازه.

۱۶. _____ (۱۳۸۹). **مبانی اخلاق در قرآن**، محقق: حسین شفیعی، قم، اسراء.

۱۷. چراغی کوتیانی، اسماعیل (۱۳۹۰). «**همبستگی اجتماعی مهدوی، الگویی برای دولت و جامعه زمینه ساز**»، مندرج در: مجموعه مقالات ششمین همایش بین المللی دکترین مهدویت، ج ۲، قم، مؤسسه آینده روشن، پژوهشکده مهدویت.

۱۸. حایری یزدی، علی (۱۴۲۲ق). **الزام الناصب فی اثبات الحجة الغائب**، بیروت، مؤسسه الاعلمی.

۱۹. حلیمی جلودار، حبیب اله و نوری، مهدی (۱۳۹۱). **موعودباوری و ظهور مصلح کل در ملل، مذاهب و اقوام**، قم، انتشارات چلچراغ.

۲۰. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۷/۰۳/۲۰). بیانات در دیدار جمعی از استادان، نخبگان و پژوهشگران دانشگاه‌ها، <https://farsi.khamenei.ir>.

۲۱. خمینی، روح الله (۱۳۷۳). **صحیفه امام**، ج ۱۳، ۱۴، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر امام خمینی.

۲۲. دبیری، احمد (۱۳۹۲). **فلسفه اخلاق؛ با رویکرد تربیتی**، قم، نشر معارف.

۲۳. راسل، برتراند (۱۳۷۷). **زندگی نامه برتراند راسل به قلم خودش**، مترجم: احمد بیرشک، تهران، خوارزمی.

۲۴. ربانی خوراسگانی، محمدصادق (۱۳۸۸). **بررسی کارکردهای اجتماعی انتظار حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در ایران معاصر**، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

۲۵. رجبی، ابودر (بهار ۱۳۹۷). «**نقش باورداشت مهدویت در نفی پوچی و تغییر نگرش به زندگی**»، مجله مشرق موعود، شماره ۴۵/۲.

۲۶. رهبری، مهدی، بلباسی، میثم و قربی، سیدمحمدجواد (بهار ۱۳۹۴). «**هویت ملی در سند تحول بنیادین جمهوری اسلامی ایران**»، فصلنامه مطالعات ملی، شماره ۶۱.

۲۷. زمانی محبوب، حبیب (۱۳۸۵). «**نقش دین در هویت بخشی ایرانیان**»، مندرج در: دین و



- هویت»، منصور نژاد محمد و اشرف نظری، علی، تهران، مؤسسه مطالعات ملی- تمدن ایرانی.
۲۸. سلیمیان، خدامراد (بهار و تابستان ۱۳۹۱). «بیعت، سازوکار مشارکت سیاسی مردم در حکومت مهدوی»، فصلنامه انتظار موعود، شماره ۳۷.
۲۹. سید رضی (۱۴۱۴ق). *نهج البلاغه*، محقق: محمد عبده، قم، نشر هجرت.
۳۰. شجاعی مهر، رضا و نجف لکزایی (بهار ۱۳۹۳). «تیپ‌شناسی و واکاوی استراتژی‌های غرب در ستیزش با آموزه مهدویت»، انتظار موعود، شماره ۴۴.
۳۱. شریفی، احمد حسین (۱۳۸۸). *آیین زندگی (اخلاق کاربردی)*، قم، نشر معارف.
۳۲. _____ (۱۳۹۲). *سبک زندگی اسلامی ایرانی*، تهران، آفتاب توسعه.
۳۳. شعبانی، حسن (۱۳۹۱). *روش تدریس پیشرفته (آموزش مهارت‌ها و راهبردهای تفکر)*. تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
۳۴. شفیع سروستانی، اسماعیل (۱۳۹۰). *غرب و آخرالزمان*، تهران، هلال.
۳۵. شمشیری، بابک (۱۳۸۷). *درآمدی بر هویت ملی*، شیراز، نوید شیراز.
۳۶. عبایی کویایی، محمود؛ اقر، قدسی و رمضان پور فریبا (زمستان ۱۳۸۹). «*رابطه نظام ارزش‌ها با هویت ملی دانش‌آموزان*» (مطالعه موردی دانش‌آموزان پسر و دختر مقطع متوسطه تهران)، فصلنامه مطالعات ملی، شماره ۴۴.
۳۷. فرامرز قراملکی، احد، قراملکی، علی مظهر (زمستان ۱۳۸۶). «*مبانی نظریه معجزه‌انگاری اخلاق نبوی*»، اندیشه نوین دینی، شماره ۱۱.
۳۸. فصیحی، امان‌الله (۱۳۸۹). *نقد تبیین کارکردی دین*، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۳۹. فیروزآبادی، سیدحسن (۱۳۹۳). *سیاست‌نامه (نظام مدیریت راهبردی در دکترین مهدویت)*، تهران، دانشگاه عالی دفاع ملی، انتشارات دا.ع.
۴۰. قاسمی، فرج‌الله (پاییز ۱۳۸۹). «*نگاهی به راهبردهای اصولی سیاسی برای حکومت زمینه‌ساز ظهور، با بهره‌گیری از قرآن کریم*»، مشرق موعود، شماره ۱۵.
۴۱. قاسمی، فرزانه (۱۳۸۳). *مراتب و مؤلفه‌های هویت در مبانی نظری هویت و بحران هویت*، تهران، پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاددانشگاهی.
۴۲. قرائتی، محسن (۱۳۸۸). *تفسیر نور*، تهران، مرکز فرهنگی درس‌های از قرآن.

۴۳. کاظمی، مجتبی (۱۳۹۵). «الزامات شکل‌گیری هویت تمدنی در افق مهدوی»، مندرج در مهدویت و رهیافت تمدنی: کاوش‌هایی نظری و راهبردی در تمدن نوین اسلامی ج ۲، تهران، دانشگاه امام صادق علیه السلام و مؤسسه آینده روشن (برترین مقالات یازدهمین همایش بین‌المللی دکترین مهدویت).

۴۴. کلباسی اشتری، حسین (۱۳۸۹). *هزاره‌گرایی در سنت مسیحی*، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

۴۵. کیانی، علی اصغر (۱۳۸۸). *تربیت نسل منتظر*، قم، خاکیز.

۴۶. لقمان‌نیا، مهدی و احمد خامسان (تابستان ۱۳۸۹). «جایگاه هویت ملی در نظام آموزش و پرورش ایران»، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، دوره سوم، شماره ۲.

۴۷. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق). *بحار الأنوار*، مصحح: جمعی از محققان، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

۴۸. محسنی، نیک چهره (۱۳۸۳). *نظریه‌ها در روانشناسی رشد*، تهران، پردیس.

۴۹. محمدی منفردی، بهروز (پاییز ۱۳۸۷). «معنای زندگی، نیهلیسم و اندیشه مهدویت»، مشرق موعود، شماره ۷.

۵۰. محمدی، محمدحسین (۱۳۸۸). *آخرازمان در ادیان ابراهیمی*، قم، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام.

۵۱. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۱). *جامعه و تاریخ از نگاه قرآن*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

۵۲. مطهری، مرتضی (۱۳۷۲). *مجموعه آثار (جامعه و تاریخ)*، ج ۲، ۱۵، ۱۹، ۲۴، ۲۹. قم. تهران، صدرا.

۵۳. _____ (۱۳۹۶). *مجموعه یادداشت‌های استاد مطهری*، ج ۴، تهران، صدرا.

۵۴. ملکی‌راد، محمود (۱۳۹۷). *کارکردهای اجتماعی اعتقاد به مهدویت*، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی. پژوهشکده مهدویت و آینده‌پژوهی.

۵۵. منسوب به علی بن موسی، امام هشتم علیه السلام (۱۴۰۶ق). *الفقه المنسوب إلى الإمام الرضا علیه السلام*، مشهد، مؤسسه اهل‌البیت علیهم السلام.

۵۶. موحدیان عطار، علی، و دیگران (۱۳۹۳). *گونه‌شناسی اندیشه منجی موعود در ادیان*، قم،



انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب.

۵۷. میلر، جان (۱۳۸۶). *نظریه‌های برنامه درسی*، مترجم: محمود مهرمحمدی، تهران، سمت.

۵۸. نیکسن، جان (۱۳۸۹). *به سوی دانشگاه فضیلت‌مند*، مترجم: امیرحسین خداپرست، تهران،

جهاد دانشگاهی سازمان انتشارات.

۵۹. واسعی، سید علیرضا و امیرمحسن عرفان (بهار ۱۳۹۳). «*باورداشت آموزه مهدویت و نقش آن*

در احیای فرهنگ و تمدن اسلامی»، مشرق موعود، شماره ۲۹.

۶۰. وجدانی، فاطمه، و دیگران (بهار و تابستان ۱۳۹۳). «*بررسی انتقادی سه دیدگاه رایج تربیت*

اخلاقی بر اساس دیدگاه علامه طباطبایی»، دوفصلنامه مطالعات معارف اسلامی و علوم تربیتی،

شماره ۲.

۶۱. هیک، جان (۱۳۷۶). *فلسفه دین*، مترجم: بهزاد سالکی، تهران، نشر بین المللی الهدی.

62. Carr, David, (1983). Three Approaches to Moral Educational Philosophy and Theory, Vol.15,p.39-51

63. Fenstermacher, G.,(2001). On the concept of manner and its visibility in teaching practice. *Curriculum studies*, Vol.33(6), P.639-653.